



فیلم سینمایی و ساختار سه پرده‌ای است. منابع ترجمه شده‌ی ما مربوط به کسانی مثل سیدفیلد و رابرت مک کی است که در این زمینه کتاب نوشته‌اند و نویسندگان ما حتی برای سریال نویسی از این کتاب‌ها استفاده می‌کنند. تقریباً می‌شود گفت که ما منبع ترجمه شده در حوزه‌ی سریال نویسی نداریم و ممکن است یک کتاب یا دو کتاب در این زمینه داشته باشیم. اما به دلیل اینکه منابعی را از آن طرف استفاده و ترجمه کردیم تقریباً یک مقدار به ساختار سریال نویسی مدرن تری که در حال حاضر در هالیوود، نتفلیکس و شبکه‌ی HBO و غیره وجود دارد نزدیک شدیم. در «می‌خواهم زنده بمانم» در کنار پویا سعیدی، جوانی که او هم خیلی تجربه‌ی سریال نویسی نداشت و پیشینه‌ی تئاتری دارد، سعی کردیم تا بر اساس این ساختار مدرن چهار یا شش پرده‌ای که متفاوت از ساختار فیلم سینمایی است که معمولاً در سه پرده تعریف می‌شود کار را جلو ببریم. از جهت فرم، ساختار و شخصیت خیلی تمرکز کردیم و روی پایلوت یا قسمت اول مکث کردیم و وقت گذاشتیم و زمانی که پخش شد خیلی نقدهای مثبتی دریافت کردیم چرا که یک پایلوت استاندارد و کمی متفاوت بود و ما پرده‌ها و پیش پرده را تفکیک کرده بودیم. در قسمت‌های بعد به دلیل اینکه تایم هر قسمت در فیلمنامه بالا بود در تدوین تقسیم بندی تغییر کرد یعنی در حال حاضر آنچه که پخش می‌شود با آنچه که ما در فیلمنامه نوشتیم متفاوت است. به فرض مثال اگر در حال حاضر قسمت دوازده پخش شده، درواقع قسمت ده فیلمنامه‌ی ماست. بنابراین در ادامه یک مقدار تغییر کرد اما قسمت یک همان پایلوتی بود که ما نوشتیم و همان هم ساخته، تدوین و پخش شد. در نتیجه ما هم در ساختار و هم در شخصیت پردازی سعی کردیم تا با این فرم و مدلی که آموخته بودیم پیش برویم و بر آن دقت کردیم. متن قبل از بازیگران نوشته شده بود و واقعیت این است که خیلی توجهی نداشتیم که این نقش را چه کسی قرار است بازی کند تا از ظرفیت‌های آن بازیگر برای پرداخت شخصیت استفاده کنیم. شخصیت در ذهن ما شکل می‌گرفت، با تیم نویسندگان گپ و گفت و صحبت می‌کردیم در نتیجه پرداخت می‌شد، در متن می‌آمد و بعد هم بازیگر آن را اجرا می‌کرد.

## گفت و گو با مجید مولایی

سرپرست نویسندگان سریال «می‌خواهم زنده بمانم»

# سعی کردیم به سریال نویسی

# مدرن در نتفلیکس نزدیک شویم

## ما ایرانی‌ها برای کار گروهی تربیت نشدیم

**گروه تلویزیون:** سریال «می‌خواهم زنده بمانم» این روزها مخاطبان زیادی را در شبکه نمایش خانگی با خود همراه کرده‌است. شاید بتوان گفت که مهم‌ترین ویژگی و خاصه‌ی برتر این سریال فیلمنامه‌ی آن است. فیلمنامه‌ای که به جزئیات کاراکترها می‌پردازد و شخصیت پردازی در آن به خوبی شکل گرفته‌است. فیلمنامه‌ای که به لحاظ داستان سرایی قدرتمند ظاهر شده و از قسمت اول نشان داد که می‌تواند یکی از آثار موفق در شبکه نمایش خانگی باشد. راجع به فیلمنامه، شخصیت پردازی و شکل روایت این اثر با مجید مولایی سرپرست نویسندگان به گفت و گو نشستیم که در ادامه آن را می‌خوانید.



**از جهت فرم، ساختار و شخصیت خیلی تمرکز کردیم و روی پایلوت یا قسمت اول مکث کردیم و وقت گذاشتیم و زمانی که پخش شد خیلی نقدهای مثبتی دریافت کردیم چرا که یک پایلوت استاندارد و کمی متفاوت بود**

### آن‌ها چه مقدار به شخصیت‌ها جزئیات بیشتر و کد اضافه شد؟

من سال‌هاست که در حوزه‌ی سریال کار تهیه‌کنندگی انجام می‌دهم و دوستانی که من را می‌شناختند می‌دانند که در «بانوی عمارت» و کارهای قبلی و بعدی خیلی درگیر فیلمنامه می‌شدم و با نویسندگان در حوزه‌ی فیلمنامه همراه بودم. پس از آن یک وقت نسبتاً مسوطی برای فهم و درک این مساله گذاشتم که سریال نویسی در شبکه‌های آمریکایی، نتفلیکس و غیره به چه فرم است. درواقع وقت زیادی گذاشتم تا ببینم که آیا در حوزه‌ی سریال نویسی یک ساختار مشخص وجود دارد و از چه شکلی تبعیت می‌کنند چرا که تمام منابع ترجمه شده‌ای که در حوزه‌ی فیلمنامه نویسی در کشور ما وجود دارد برای

یکی از ویژگی‌های فیلمنامه این است که شخصیت پردازی در آن درست شکل گرفته و پیش رفته‌است. ما حتی می‌بینیم که نقش‌های مکمل و نقش‌هایی که صرفاً در روایت کمک می‌کنند با پیچیدگی‌هایی که لازم است دیده می‌شوند. یعنی آدم‌هایی نیستند که صرفاً به داستان کمک کنند، بلکه آدم‌هایی هستند که اگر هر کدامشان را از داستان جدا کنیم می‌توانیم با جزئیات راجع به آن‌ها صحبت کنیم. برای شخصیت پردازی چقدر زمان گذاشته‌اید؟ چه مقدار از این پروسه در حین نگارش و قبل از تولید شکل گرفت و بعد از انتخاب بازیگرها و با توجه به پتانسیل‌های